

قوه قاهره در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ دکتر مرتضی عادل*

موضوع قوه قاهره و تأثیر آن بر قرارداد از مسایل مهم حقوق قراردادهاست. نویسنده در این مقاله تعریف و تأثیر قوه قاهره را در کنوانسیون بیع بین‌المللی مصوب سال ۱۹۸۰ مورد بررسی قرار داده و ضمن بیان شرایط فورس مازور در کنوانسیون، این مفهوم را در حقوق آمریکا، انگلیس و ایران نیز بررسی نموده است.

مقدمه:

کنوانسیون ۱۹۸۰ قراردادهای بیع بین‌المللی^(۱) تهیه شده و مصوب گروه کاری تخصصی^(۲) Uncitral، در حال حاضر تنها کنوانسیون جامع مصوب Uncitral حاکم بر این نوع قراردادها در سطح بین‌المللی است. پیش از تصویب این کنوانسیون قراردادهای بیع بین‌المللی در بخش مقررات شکلی و ماهوی از مقررات مندرج در^(۳) Uliis و^(۴) Ulof مصوب ۱۹۶۴ کنوانسیون لاهه بهره‌مند می‌شدند. ولی مقررات کنوانسیون ۱۹۸۰ هر دو بخش مسائل شکلی قراردادهای بیع بین‌المللی از قبیل نحوه شکل‌گیری قرارداد، قلمرو کنوانسیون، تفسیر کنوانسیون و یا قرارداد، و مسائل ماهوی از قبیل زمان و مکان شکل‌گیری قرارداد، حقوق و تعهدات طرفین در مقابل یکدیگر، انتقال مالکیت و مبحث خسارات را در یکجا جمع کرده است. یکی از مباحث مهم در کنوانسیون مبحث حوادث غیر مترقبه (قوه قاهره) و یا Force Majeure در حقوق قراردادها است.

* عضو دانشکده حقوق و علوم سیاسی و مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران
۱- پس از این از آن با عنوان کنوانسیون یاد خواهد شد.

2- United Nations Commission on International Trade Law.

3- Uniform Law on the International Sale of Goods (1964).

4- Uniform Law on the Formation of Contracts for the International Sale of Goods (1964).

قلمرو کنوانسیون

پیش از ورود در بحث اصلی لازم به یادآوری است که در بند ۱ ماده اول کنوانسیون قلمرو اجرای آن مشخص شده است. بر اساس این ماده کنوانسیون وقتی حاکم بر قراردادهای بیع بین‌المللی خواهد بود که؛ هم محل کسب و کار طرفین قرارداد در دو کشور مختلف باشد، و هم یا این دو کشور به کنوانسیون ملحق شده باشند، و یا اینکه مقررات تعارض قوانین به حاکمیت قانون یکی از کشورهای عضو حکم نماید. بر اساس بند ۲ این ماده اگر از محتوای قرارداد و یا از سوابق معاملاتی طرفین و یا از هر نوع اطلاعات دیگری که آنها قبل و یا در زمان انعقاد قرارداد ارائه می‌نمایند مشخص نشود که محل کسب و کار و تجارت آنان در دو کشور مختلف می‌باشد یا خیر، این امر لطمه‌ای به اعمال مقررات کنوانسیون نزده و کماکان مقررات این کنوانسیون حسب بند ۱ قابل اعمال است. در واقع بند ۲ اخیر فرض اولیه را بر در دو کشور مختلف بودن محل تجارت دو طرف قرارداد بیع بین‌المللی گرفته و در نتیجه مقررات کنوانسیون را قابل اعمال می‌داند مگر خلاف آن ثابت شود. ولی بر اساس بند ۳ آنچه نباید در تصمیم‌گیری نسبت به اعمال مقررات کنوانسیون بر قرارداد بیعی مورد توجه قرار گیرد تابعیت و یا شخصیت مدنی یا تجاری طرفین و یا ماهیت قرارداد است و فقط ملاکهای مندرج در بند ۱ برای این تصمیم‌گیری کفایت می‌کند. ماده ۲ کنوانسیون نیز قراردادهای بیعی را که مستثنی از مقررات این کنوانسیون هستند بدین شرح ذکر می‌کند: بیع برای مصارف شخصی، خانوادگی و خانگی - خرید و فروش از طریق حراج - خرید و فروش به حکم قانون - خرید و فروش سهام، اوراق قرضه، اسناد تجاری و پول - خرید و فروش کشتی، سفاین، هواپیما و هاورکرافت - خرید و فروش برق. همچنین قراردادهایی که در آن خریدار خود تدارک‌کننده بخش عمده‌ای از قطعات کالائی است که موضوع قرارداد ساخت و خرید می‌باشد، و یا قراردادهایی که بخش عمده تعهدات تهیه‌کننده کالا تدارک کار و یا خدمات می‌باشد از شمول مقررات کنوانسیون معافند.^(۱)

مفهوم حقوقی فورس ماژور

فورس ماژور کلمه‌ای فرانسوی است به معنای حادثه غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیشگیری که مانع از اجرای تعهد باشد.

در دوره اجرای قرارداد و یا حتی در زمینه مسئولیتهای مدنی ممکن است حوادثی رخ دهد که مانع از اجرای تعهدات یک یا هر دو طرف قرارداد گردد بدون این که آن طرف در وقوع و یا ادامه آن مانع نقشی داشته باشد.^(۱)

حوادثی از قبیل جنگ، زلزله، سیل، اعتصاب کارکنان، تحریم اقتصادی و تغییر قوانین و مقررات داخلی کشورها ممکن است مانعی در راه اجرای قرارداد ایجاد نمایند و در نتیجه سرنوشت قرارداد تغییر کنند. از این نوع حوادث در حقوق تحت عناوینی از قبیل Frustration, Act of God, Force Majeure و مانند اینها نام برده می‌شود.

دادن پاسخ صریحی به این سؤال که وضعیت قرارداد و طرفین آن پس از وقوع قوه قاهره چه خواهد شد هم در کنوانسیون بیع بین‌المللی و هم در حقوق داخلی کشورها به آسانی ممکن نیست. باید دید که در صورت وقوع چنین حالتی در یک بیع بین‌المللی و یا در قراردادهای دیگر، روش مواجهه با حادثه چگونه خواهد بود. تکلیف طرف متعهد که قادر به انجام تعهدات خود نیست چه خواهد شد و وضعیت متعهدله که ممکن است تعهدات خود مانند پرداخت تمام و یا بخشی از ثمن را انجام داده باشد چیست؟ آیا او مستحق استرداد پول پرداختی و دریافت خسارت خواهد بود یا خیر؟

فورس ماژور در کنوانسیون

ماده ۷۹ کنوانسیون به موضوع فورس ماژور و آثار آن در بیع بین‌المللی اشاره دارد. پیش از مطالعه کنوانسیون باید به یک نکته اشاره کرد و آن اینکه با مراجعه به سایر مواد کنوانسیون مشخص می‌شود که دامنه موارد رفع مسئولیت که در ماده ۷۹ آمده محدود بوده و اموری از قبیل از دست رفتن کالا در حین حمل و نقل و یا کالای معیوب از شمول آن خارج شده و خود تحت عناوین مستقلی در کنوانسیون طرح و تعیین تکلیف گردیده‌اند. با ملاحظه ماده ۷۹ مشخص می‌شود که به جز دو استثناء فوق، در سایر موارد پوشش این ماده با تأسی

از رویه نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی^(۱) وسیع بوده و هر دو طرف قرارداد را شامل شده و در خصوص هر یک از تعهدات ایشان نیز قابل اجرا می‌باشد.

شرایط تحقق فورس مازور

بر اساس بند ۱ این ماده یک طرف قرارداد می‌باید پس از وقوع فورس مازور سه امر را اثبات نماید تا از مسئولیت مبری گردد:

الف - عدم اجرای قرارداد ناشی از وقوع حادثه و مانعی است که خارج از اختیار و کنترل متعهد است.

ب - در زمان عقد قرارداد او قادر به پیش‌بینی وقوع چنین مانعی نبوده است.

ج - پس از عقد قرارداد او نمی‌توانسته وقوع این عامل را مانع شده و یا پس از وقوع از تداوم آن و یا از بروز آثار آن جلوگیری نماید.

برخی بر این ۳ عامل عنصر چهارمی هم اضافه کرده‌اند که همان رابطه علیت میان مانع و عدم اجرای قرارداد است،^(۲) ولی در ارائه این مبحث در متن حاضر رابطه فوق در بند الف ملحوظ شده و به طور مستقل ذکر نگردیده است.^(۳)

همانطور که گفته شد رویه کنوانسیون در تعیین دامنه عملکرد و اثر ماده ۷۹ به پیروی از برخی نظام‌های حقوقی مهم تابع نظام رومی - ژرمنی اتخاذ شده و در نتیجه با نظام حقوقی انگلستان و آمریکا اختلافاتی دارد که متعاقباً خواهد آمد. ولی آنچه ذکر آن اهمیت دارد آن است که در کنوانسیون عامل ایجاد فورس مازور باید یک مانع^(۴) باشد و نه بروز اوضاع و احوالی^(۵) که در UliS آمده بود. تفاوت این دو عبارت در آن است که کلمه انتخابی کنوانسیون اشاره به اموری دارد که مانع اجرای تعهد می‌گردند. در حالی که کلمه انتخابی UliS اموری را که سبب اجرای ناکامل و ناقص تعهد گردند نیز در برمی‌گرفت. به عنوان

1- John O. Honnold, Uniform Law for International Sales under 1980 United Nations Convention, 2nd ed, Kluwer Law & Taxation Pub. Deventer, USA, 1991, p. 534

۲- تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، جمعی از نویسندگان، ترجمه دکتر مهربان داراب‌پور، ج ۳، گنج دانش، ۱۳۷۴، ص ۱۳۶

۳- در حقوق ایران نیز برخی معتقدند باید حادثه مانع اجرای تعهد «ناگهانی» نیز باشد که به نظر می‌رسد عبارت «غیر قابل پیش‌بینی» بر این مفهوم نیز دلالت نماید. (دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، چاپ دوم، شرکت انتشار، ۱۳۷۶، ص ۲۰۴).

نمونه تحویل کالای دارای عیب مخفی توسط فروشنده به خریدار می‌توانست از مصادیق circumstances باشد و بر آن اساس می‌شد فروشنده را از مسئولیت مبری کرد. در حالیکه در لفظ impediment متعهد باید قادر به انجام تعهد نباشد تا مشمول این بند گردد و تحویل کالا ولو ناقص و معیوب، اجرای تعهد محسوب شده و استناد به ماده ۷۹، همانطور که در بالا آمد، در این خصوص امکان‌پذیر نیست.^(۱)

در این مبحث با توجه به اختلاف بالا باید به دو نکته توجه داشت. نکته اول دیدگاه و روش کنوانسیون در ایجاد رویه‌ای واحد در تجارت بین‌الملل است. این هدف کنوانسیون با رعایت مقررات و اصول مبنائی آن تحقق می‌یابد و به همین دلیل باید در تصمیم‌گیریها و اظهارنظرهایی که در مورد معاملات بیع بین‌المللی صورت می‌گیرد در حد امکان از توسل به مقررات داخلی کشورها که ممکن است رویه‌ای مغایر با کنوانسیون در پی گرفته باشند، اجتناب کرد تا مانع از تعدد و تفرق آراء و رویه‌ها شد. البته این امر در زمانی که با نگاهی تطبیقی به مقررات کنوانسیون نگریسته شود و در پی یافتن راه‌حلی از حقوق داخلی برای رفع اختلاف مطروحه باشیم بروز نخواهد کرد.^(۲)

نکته دیگر آنکه در برخی نظامهای حقوقی ملی و یا برخی مقررات بین‌المللی و یا منطقه‌ای مقرراتی برای معافیت طرفین قرارداد از مسئولیت در زمانی که اجرای قرارداد به علتی خارج از کنترل و پیش‌بینی طرفین متعذر می‌گردد پیش‌بینی شده است و بر آن اساس متعهدی را که از اجرای تعهدات خویش بازمانده بری از مسئولیت می‌شناسند. از جمله این مقررات می‌توان به مقررات عمومی که توسط کمیسیون اقتصادی اروپائی سازمان ملل متحد^(۳) تهیه و جهت بکارگیری در معاملات میان کشورهای اروپائی دارای اقتصاد آزاد ارائه گردیده اشاره کرد. این مقررات برای انواع معاملات بطور مجزا تدوین گردیده و در هر دسته از معاملات مقررات خاصی قابل اعمال است.^(۴)

آنچه در ماده ۷۹ پیش‌بینی شده تلاشی در جهت رفع موانع و اختلافات موجود در

1- Honnold, p. 535

2- Honnold, p. 537

3- UNECE (1957)

4- Honnold, pp. 538-541

نظامهای داخلی حقوقی کشورها و ارائه نمونه‌ای واحد برای اجرا در معاملات بین‌المللی است. اگر چه به نظر می‌رسد موفقیت کنوانسیون در این جهت زیاد نبوده و کماکان نظامهایی که قانون حاکم بر قرارداد بیع بین‌المللی را تشکیل می‌دهند به نحو دیگری با پدیدهٔ حوادث غیرمترقبه برخورد کرده و اثر مفاد کنوانسیون را کاهش می‌دهند. از این رو به نظر پروفیسور Honnold این ماده از کنوانسیون علیرغم تمایل عمومی آن، کم‌ترین اثر را در جهت ایجاد حقوق متحدالشکل در مقایسه با سایر مواد کنوانسیون داشته است.^(۱) بر اساس این ماده:

«۱. طرفی که هر یک از تعهدات خود را ایفا نکرده است، چنانچه ثابت نماید که عدم ایفا به واسطهٔ حادثه‌ای خارج از اقتدار او بوده و ثابت کند که نمی‌توان عرفاً از او انتظار داشت که در زمان انعقاد قرارداد، آن حادثه را ملحوظ داشته یا از آن یا آثار آن اجتناب نموده یا آنها را دفع کرده باشد، مسئول نخواهد بود.

۲. اگر قصور طرف ناشی از قصور شخص ثالثی باشد که برای اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد او را بکارگرفته است طرف مزبور تنها در صورتی از مسئولیت معاف می‌باشد که:

(الف) بموجب بند پیشین، از مسئولیت معاف باشد؛ و

(ب) متصدی انجام تعهد از جانب او نیز، در صورت اعمال مقررات بند پیشین بر او، از مسئولیت مبری باشد.

۳. معافیت مقرر در این ماده ظرف مدتی که حادثه جریان دارد، واجد اثر خواهد بود.

۴. طرفی که در اجرای تعهد خود قصور می‌ورزد، مکلف است طی اختطاری وقوع حادثه و آثار آن را بر توانائی خود در اجرای قرارداد به آگاهی طرف دیگر برساند. چنانچه اختطاری ظرف مدت متعارفی پس از اینکه به حادثه وقوف یافته و یا می‌باید وقوف می‌یافته به طرف دیگر واصل نشود، طرف قاصر مسئول خسارات ناشی از عدم وصول خواهد بود.

۵. هیچ یک از مندرجات این ماده مانع طرفین از اعمال هر نوع حق، غیر از مطالبهٔ خسارات موضوع این کنوانسیون، نخواهد بود.»^(۲)

1- Honnold, p. 537

۲- در ترجمه مواد کنوانسیون از ترجمه‌مندرج در جلد ۹ مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی استفاده شده است.

الف- شرایط فورس ماژور

آنچه در بند ۱ ماده ۷۹ بعنوان شرط اساسی رفع مسئولیت عدم اجراء قرارداد آمده آن است که مانعی جلوی اجرا را بگیرد. این مانع می‌تواند مانعی طبیعی باشد و یا مقررات اداری و قانونی و یا حتی وضعیتهای اقتصادی و پولی.^(۱)

البته احراز این که مانعی خارج از اختیار و کنترل متعهد سبب عدم اجرای قرارداد شده نیز به راحتی امکان‌پذیر نیست و طرفی که ادعای عدم امکان اجرای قرارداد را کرده و مدعی عدم مسئولیت خود است باید اثبات نماید که: الف - این مانع خارج از کنترل وی بوده، ب - دیگر اینکه به طور متعارف این نوع پیش آمد نمی‌توانسته از ابتدا و در زمان عقد قرارداد پیش‌بینی شده باشد. ج - و آخر این که امکان جلوگیری از وقوع آن مانع و یا رفع آثار آن نیز وجود نداشته است.

ب - شخص ثالث

در صورتی که فروشنده به نحوی مشخص ثالثی را درگیر اجرای تعهدات خود نماید، مثلاً اگر تولید کالائی را که به فروش رسانده به شخص ثالثی بعنوان تولید کننده واگذار کرده باشد، و بعد به علتی شخص ثالث نتواند تعهد خود را انجام دهد و در نتیجه فروشنده نیز قادر به تحویل کالا به خریدار نشود، بر اساس بند اول ماده ۷۹ در صورتیکه فروشنده بتواند اثبات نماید که عدم انجام تعهدات شخص ثالث به واسطه علتی که خارج از اقتدار و کنترل فروشنده بوده صورت گرفته، باز هم وی مسئولیتی درمقابل خریدار نخواهد داشت. البته این به شرطی است که بر اساس بند ۲ ماده فوق تمام شرایطی که در بند ۱ برای رفع مسئولیت فروشنده آمده در مورد شخص ثالث نیز محقق شود. در واقع طرف اصلی قرارداد باید ثابت نماید که شخص ثالث واجد کلیه شرایط لازم جهت ایفاء قرارداد بوده است، در غیر این صورت فرض بر این خواهد بود که مانع غیرقابل پیش‌بینی و خارج از کنترل نبوده و در نتیجه فروشنده درمقابل خریدار مسئول خسارات خواهد بود و متعاقباً می‌تواند به شخص ثالث جهت جبران ضررهای خود مراجعه کند.^(۲) اما در صورت اثبات صلاحیت

شخص ثالث و این که وی مشمول بند ۲ ماده ۷۹ می‌باشد، نه فروشنده در مقابل خریدار مسئول خواهد بود، و نه شخص ثالث در مقابل فروشنده.

ج - بقاء فورس ماژور

اگر ثابت نشود که مانعی خارج از کنترل شخص ثالث سبب عدم اجراء تعهد وی شده، فروشنده در مقابل خریدار مسئول خسارات بوده و خود نیز می‌تواند برای جبران این پرداخته‌هایش به شخص ثالث مراجعه کند.^(۱) این مسئولیت فروشنده نه تنها در مورد کالای تحویل نشده است، بلکه ممکن است خسارات تبعی که در اثر تحویل با تاخیر کالا به خریدار وارد می‌گردد، مثل توقف در تولید کارخانه خریدار را نیز در برگیرد.^(۲) در مسئولیت فروشنده و شخص ثالث تفاوتی نمی‌کند که فروشنده شخص ثالث را برای تولید بخشی و یا تمام محصول فروخته شده به کار گیرد، و یا اینکه تهیه و تحویل کالا به خریدار را بر عهده او گذارده باشد؛^(۳) در هر حال به هیچ وجه نمی‌توان خریدار را به شخص ثالث ارجاع داد چرا که وی قراردادی با شخص ثالث نداشته و جبران خساراتش از این طریق ناممکن است.

موضوع مسئولیت شخص ثالث در مورد عدم انجام تعهد در مقابل فروشنده، مندرج در بند ۲ ماده ۷۹ کنوانسیون، سابقه‌ای در Ullis نداشته و با پیشنهاد گروه کاری آنستیرال به متن کنوانسیون افزوده شده است.

اگر مدت زمان بروز فورس ماژور محدود باشد و پس از مدت کوتاهی (مثلاً یک ماه) مانع رفع گردد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا فروشنده پس از رفع اثر باز هم موظف به اجرای تعهدات خویش هست یا خیر؟ همچنین آیا خریدار هم موظف به پذیرش اجرای تعهد پس از زمان رفع فورس ماژور می‌باشد یا خیر؟

در پاسخ به این دو سؤال می‌توان به بند ۵ ماده ۷۹ اشاره کرد. بر اساس این بند دو طرف پس از وقوع فورس ماژور می‌توانند غیر از مطالبه خسارت هر حق دیگری را که مقررات کنوانسیون به ایشان داده اعمال کنند. بر این اساس اگر خریدار پس از وقوع فورس ماژور و تعذر اجرای تعهدات فروشنده تمایلی به ادامه قرارداد نداشت الزامی به صبر کردن

۱- ماده (ب) (۲) ۷۹.

۲- ماده ۷۴

برای دریافت کالا نداشته و می تواند نسبت به فسخ آن اقدام کند،^(۱) مشروط بر اینکه توقف اجرای قرارداد یک نقض اساسی^(۲) محسوب شود.^(۳) اگر چنین اختیاری کرد و به فروشنده هم اطلاع داد، دیگر فروشنده نمی تواند پس از رفع فورس مازور نسبت به اجرای تعهدات خویش و تسلیم کالا به خریدار اقدام کند، به علاوه دیگر وی مسئول خسارات خریدار نیز نخواهد بود.^(۴) باید یادآور شد که این حق اعطائی توسط کنوانسیون را نمی توان در مورد هر تأخیر کوتاه مدت هم اعمال کرد بلکه تأخیر باید به صورتی باشد که یک نقض اساسی محسوب گردد.^(۵)

د - اخطار کتبی

بر اساس بند ۴ ماده ۷۹ باید طرفی که قادر به اجرای تعهدات خود نیست طی اخطاری کتبی طرف مقابل را از این امر مطلع گرداند بنحوی که وی فرصت کافی برای انجام اقدامات لازم به منظور جلوگیری از خسارت بر خویش را داشته باشد. تصریح این امر در ماده ۷۹ سبب می شود که بار مسئولیت عدم اطلاع بر عهده طرف خاطی قرار گیرد و او ضامن خسارات طرف غیر مقصر ناشی از عدم اجرای قرارداد و عدم دادن اخطار کتبی به وی شناخته شود. البته به نظر می رسد که اگر چنین تصریحی نیز در کنوانسیون نمی شد، نتیجه مشابهی را می شد از عرف بین الملل و قاعده حسن نیت طرف قاصر استنباط کرد.^(۶) لازم به ذکر است که این اخطار وقتی باید ارسال شود که به طور مسلم وقوع مانع و عدم امکان اجرای قرارداد محرز شده باشد و در آن جزئیات امر و نتایج آن ذکر شود.

۱- ماده ۴۹

2- Fundamental Breach

۳- ماده ۲۵

4- Honnold, p. 548

۵- مواد ۲۵ و ۶۴

۶- دکتر دارابهر، ج ۳، ص ۱۴۰.

ه- فورس ماژور در اجرای بخشی از تعهدات

اگر اجرای بخشی از قرارداد و نه تمام آن با مانع روبرو شود، مانند اینکه فروشنده بتواند فقط نیمی از کالای موضوع قرارداد را تحویل دهد و نه تمام آن را، و علت عدم اجرای بخش باقی مانده هم با ویژگیهای مربوط به فورس ماژور مطابقت کند، تکلیف دو طرف چیست؟ آیا ماده ۷۹ کنوانسیون در اینجا نیز قابل اعمال است و می‌توان فروشنده را از مسئولیت بخش انجام نشده مبری دانست؟ تکلیف خریدار چیست و او چه حقوقی دارد و آیا می‌تواند به علت عدم اجرای بخشی از قرارداد آنرا فسخ نماید؟

در پاسخ باید گفت عدم مسئولیتی که ماده ۷۹ به آن اشاره دارد مربوط است به عدم اجرای تعهدات قراردادی برای مدت محدودی که مانع فورس ماژور وجود دارد، و اشاره‌ای به میزان انجام و یا عدم انجام تعهد ننموده است. در ماده فوق لفظ «any of his obligations» بکار رفته که از آن معنی «تمام» و یا «بخشی» از تعهدات فهمیده می‌شود. در نتیجه می‌توان ماده ۷۹ را به نفع طرفین در بخش اجرا نشده نیز قابل اعمال دانست. به عبارت دیگر اصل ۷۹ در معنی عام آن در مورد اجرای تعهدات قراردادی بیع در همه بخشهای آن صادق است.^(۱) اما اگر به دلیلی شرایط ماده ۷۹ در مورد مشابهی قابل اعمال نباشد، می‌توان با استناد به بند اول ماده ۵۱، مقررات مواد ۴۶ تا ۵۰ کنوانسیون را در مورد بخش اجرا نشده اعمال کرد. ماده ۵۱ اشاره دارد به اینکه اگر فقط بخشی از کالای موضوع قرارداد توسط فروشنده تحویل شد، و یا اگر فقط بخشی از کل کالای تحویلی توسط وی منطبق با مشخصات مذکور در قرارداد بود، به خریدار حق داده می‌شود تا با استناد به مفاد مواد ۴۶ تا ۵۰ کنوانسیون درخواست کالای جایگزین را نموده و یا قیمت را به نسبت کاهش دهد، و یا اینکه در صورت ارتکاب نقض اساسی قرارداد توسط فروشنده نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید.

در موارد وجود مانع در اجرای بخشی از تعهدات قراردادی نیز برای خریدار این حق وجود دارد که با استناد به بند ۱ ماده ۴۶ از فروشنده بخواهد که آن بخش از تعهدات خود را که مانعی در راه اجرای آن بوجود نیامده انجام دهد و اگر وی از این کار خودداری نمود، خریدار در صورت تحقق نقض اساسی از سوی فروشنده، حق خواهد داشت قرارداد را

فسخ کرده و مطالبه خسارت نیز بکند.^(۱)

در صورت عدم امکان اجرای بخشی از تعهدات، در برخی مواقع خریدار حق خواهد داشت از پذیرش اجرای باقی مانده تعهدات خودداری کرده و بلافاصله قرارداد را فسخ و مطالبه خسارت کند، به شرط آنکه عدم اجرای بخش باقیمانده تعهدات فروشنده منجر به نقض اساسی قرارداد گردد.^(۲) مانند اینکه بخش قابل اجرا با بخش غیرقابل اجرای تعهد چنان ارتباطی داشته باشد که هریک بدون دیگری غیر قابل استفاده برای خریدار گردد.^(۳) اگر در مواردی هم امکان مطالبه خسارت نباشد، امکان استفاده از سایر حقوق از قبیل فسخ و استرداد آنچه که پرداخت شده برای متعهدله وجود دارد.^(۴) بعنوان مثال اگر فروشنده قبل از تحویل کالای فروخته شده با قانونی مواجه شود که صدور این قبیل کالا را ممنوع می‌نماید، این از موارد فورس مازور بوده و وی مسئول خسارت نخواهد بود. در مقابل، خریدار علاوه بر فسخ قرارداد حق خواهد داشت آنچه را که به عنوان ثمن پرداخته مسترد دارد.^(۵)

بند ۵ ماده ۷۹ را که توسل به هر حق دیگری بجز مطالبه خسارت را تجویز می‌کند می‌توان به مطالبه الزام به اجرای قرارداد نیز تفسیر کرد، اگر چه به طور قطع چنین تفسیری در غالب موارد با متن ماده ۷۹، که به رفع مسئولیت طرفی که بر اثر وقوع فورس مازور تعهدش را اجرا نمی‌نماید اشاره دارد، مغایرت داشته و قابل اعتنا و انجام نیست. در واقع الزام به اجرا در چنین مواردی مشابه الزام به پرداخت خسارت است که امری غیر عادلانه به نظر می‌آید و قطعاً با منظور قانونگذار مطابقت ندارد. آنچه بیشتر از این بند می‌توان استنباط کرد اقدامات جبرانی دیگری غیر از پرداخت خسارت، برای ترمیم زیان ضرر دیده در موارد خاص است.

۱- ماده (ب) و (الف) (۱) ۶۴

۲- ماده (الف) (۱) ۴۹

۳- ماده (۳) ۷۳

۴- ماده (۵) ۷۹

۵- ماده (۲) ۸۱

بررسی تطبیقی

فورس ماژور یک اصطلاح و مفهوم حقوق فرانسه است که به سیستم‌های حقوقی تابع نظام رومی - ژرمنی تسری یافته است. در نظام‌های حقوقی تابع کامن لو آنچه به عنوان مفهومی مشابه وجود دارد مفاهیمی از قبیل عقیم ماندن اجرای قرارداد^(۱) و عدم امکان اجرای قرارداد^(۲) است.

حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا (UCC) Uniform Commercial Code^(۳) مبحث مستقلی زیر عنوان فورس ماژور و یا حوادث غیرمترقبه وجود ندارد. اشاره‌ای که این قانون به مواردی شبیه فورس ماژور دارد در مواد ۶۱۴-۲ تا ۶۱۶-۲ آمده است. بر اساس ماده (۱) ۶۱۴ اگر بدون تخلف هر یک از طرفین قرارداد بیع و به واسطه عوامل خارجی، تعهدات هر یک از طرفین در زمینه تخلیه و یا بارگیری کالای موضوع قرارداد غیر قابل اجرا شود، و یا اگر حمل کالا به طریق مقرر در قرارداد، ناممکن و غیرمقدور گردد ولی امکان جایگزینی آن با روش دیگری وجود داشته باشد، باید متعهد این امر را به طرف مقابل اطلاع داده و وی نیز آن را بپذیرد. همچنین اگر به واسطه مقررات داخلی یا خارجی پولی و مالی پرداخت ثمن معامله به روش مقرر در قرارداد غیرممکن شود و فروشنده هنوز کالا را تحویل نداده باشد، او حق خواهد داشت تا زمان تعیین روش پرداخت جایگزین توسط خریدار، که از نظر اقتصادی به روش قبل نزدیکتر باشد، از تحویل کالا خودداری کند. اما اگر قبل از این امر کالا را تحویل داده باشد پرداخت ثمن توسط خریدار به روش و یا با رعایت مقررات وضع شده جدید نیز ذمه وی را بری می‌نماید مگر اینکه این مقررات به طور واضحی تبعیض آمیز، اجحاف کننده و غیر قابل پذیرش باشند.

1- Frustration

2- Impossibility

۱- مجموعه مقرراتی است که توسط موسسه حقوقی آمریکایی (The American Law Institute) بعنوان مقررات عمومی قراردادها و در مباحث بیع، اسناد تجاری، حوالجات بانکی، اعتبار اسنادی، بارنامه‌ها و غیر آنها تدوین و پیشنهاد گردیده و توسط ۵۱ ایالت آمریکا بعنوان قوانین لازم‌الاجرا پذیرفته و تصویب و ابلاغ شده است. مقررات مربوط به بیع در «فصل دوم» این قانون آمده است.

بر اساس ماده ۶۱۵ که مفهوم نزدیکتری رابه فورس ماژور و ماده ۷۹ کنوانسیون بیان می‌دارد، در غیر مواردی که خود فروشنده تعهد اضافه‌ای رابا طیب خاطر می‌پذیرد، اگر تأخیری در تسلیم کالا با توجه به آنچه در بالا گفته شد ایجاد شود و کالاکلاً و یا بخشی از آن غیر قابل تحویل گردد، فروشنده با رعایت نکات ذیل مسئول و ناقض قرارداد محسوب نخواهد شد به شرط آنکه این عدم امکان اجرا بعلت وقوع حادثه‌ای باشد که عدم وقوع آن در زمان عقد قرارداد مفروض دو طرف برای عقد قرارداد بوده، و یا اینکه به علت تبعیت با حسن نیت فروشنده از مقررات و یا دستورات داخلی و یا خارجی قابل اجرا در آن قرارداد حادث شده باشد، ولو اینکه بعداً مشخص گردد که این مقررات و دستورات غیرمعتبر بوده‌اند.^(۱)

حال اگر دلیل و حادثه غیرمترقبه سبب شود که فروشنده بخشی از قابلیت خود در تولید و تحویل کالای موضوع قرارداد را از دست دهد، وی ملزم خواهد بود باقیمانده توان تولید و تحویل خود را میان کلیه مشتریان تقسیم کند و در این راه حتی می‌تواند مشتریان دیگر خویش را که به طور مرتب از وی خرید می‌کنند، و نیازمندهای شخصی خود را در تقسیم‌بندی لحاظ کند و به هر حال باید این روش تقسیم به هر صورتی که انجام می‌پذیرد نتیجه‌اش عادلانه و معقول باشد.^(۲)

در هر صورت فروشنده باید طی یادداشتی خریدار را از تأخیر در تسلیم و یا سهمیه‌بندی انجام شده و سهم وی بر اساس بند بالا مطلع گرداند.^(۳)

خریدار پس از دریافت این یادداشت در صورتی که این تأخیر و یا تسهیم سبب کاهش فاحش ارزش کل قرارداد برای وی، بر اساس آنچه که در ماده ۲۱۶-۲ ذکر گردید گردد، او حق خواهد داشت یا طی یادداشتی به فروشنده نسبت به فسخ قرارداد و توقف اجرای بخش انجام نشده آن اقدام نماید، و یا اینکه با توجه به شرایط جدید و میزان سهمیه مقرر برای وی نسبت به اصلاح مفاد قرارداد اقدام کند.^(۴)

۱- ماده (الف) ۶۱۵

۲- ماده (ب) ۶۱۵

۳- ماده (س) ۶۱۵

۴- ماده (۱) ۶۱۶

اما اگر پس از دریافت یادداشت فروشنده، ظرف مدت متعارفی که حداکثر ۳۰ روز خواهد بود از دادن پاسخ به وی و اصلاح قرارداد خودداری نماید قرارداد نسبت به آن بخش از تعهدات که انجام نگردیده بی‌اثر خواهد گردید.^(۱)

مقررات مذکور در بالا غیر قابل تخلف بوده و با توافق طرفین زایل نمی‌گردد مگر اینکه فروشنده تعهداتی را بیشتر از آنچه در این ماده آمده است (در صورت وقوع حادثه غیر مترقبه) به عهده بگیرد.^(۲)

حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان نیز فورس ماژور یک عنوان وارداتی تلقی می‌شود. در قانون^(۳) Sale of Goods Act (SGA) نیز لفظ Force Majeure به کار نرفته، اگر چه ممکن است در برخی قراردادها این واژه مورد استفاده قرار گیرد. چنین گفته شده که مفهوم فورس ماژور در حقوق انگلستان وسیع‌تر و گسترده‌تر از آنچه در برخی نظامهای حقوقی از این لفظ تعبیر می‌نمایند مثل Act of God و یا Vis Majeure می‌باشد، چرا که عبارتهای اخیر بیشتر به حوادث طبیعی اشاره دارند در حالی که عبارت فورس ماژور هم حوادث طبیعی و هم اعمالی که با دخالت انسان ایجاد می‌گردد مثل اعتصاب را در برمی‌گیرد.^(۴) آنچه در حقوق انگلستان نزدیکترین مفهوم را به فورس ماژور می‌رساند عبارات انتفای (عقیم ماندن) اجرای قرارداد^(۵) و عدم امکان اجرا^(۶) است اگر چه این دو نهاد از لحاظ نظری با فورس ماژور متفاوت بوده و قلمرو وسیعتری دارند.^(۷) بر اساس دکترین انتفای قرارداد اگر قراردادی بعلت عوامل غیر عادی و غیر طبیعی و بدون دخالت متعهد غیر قابل اجرا گردد می‌توان آن را فسخ شده تلقی کرد.

۱- ماده (۲) ۶۱۶

۲- ماده (۳) ۶۱۶

۳- مصوب سال ۱۸۹۳ و اصلاحی در سالهای ۱۹۷۹، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵

4- Lebeaupin v. Crispin & Co [1920] 2KB 714

5- Frustration

6- Impossibility

۷- دکتر صفائی، قوه قاهره یا فورس ماژور، ص ۳۹۷.

در این حقوق اولین بار نظریه Frustration در سال ۱۸۶۳ مطرح شده و مبنای آن نیز شرط ضمنی طرفین در هنگام عقد قرارداد تلقی گردید،^(۱) ولی مدتها بعد این مبنای قصد و نیت ضمنی طرفین نیز از آن برداشته شد و به این نتیجه رسیدند که قصد فرضی پیش از وقوع حادثه و در هنگام عقد قرارداد وجود نداشته بلکه فرض بر این است که اگر پس از وقوع حادثه طرفین به طور متعارف و معقول می‌خواستند تصمیم بگیرند چنین تصمیمی می‌گرفتند. در نتیجه تصمیم پس از وقوع حادثه را ملاک دانسته و بر آن مبنا نظریه Frustration را توجیه کردند.^(۲)

در نظریه انتفای قرارداد به محض وقوع حادثه‌ای که اجرای قرارداد را جلوگیری نماید، آن قرارداد به طور خودبخود منفسخ می‌شود و رابطه حقوقی طرفین در همان نقطه متوقف می‌گردد.^(۳) در این زمینه قانونی در انگلستان به تصویب رسد تحت عنوان Law Reform (Frustrated Contracts) Act 1943 تا پیش‌بینی کلیه احتمالاتی که حتی ممکن بود خارج از اختیار دادگاهها باشد بشود. بر این اساس در حال حاضر هر دو طرف می‌توانند پس از وقوع عامل انتفای قرارداد هر مطالبه‌ای را که استحقاق دارند از طرف مقابل بنمایند که معمولاً شکل متعارف مطالبه خسارت در کامن‌لا را ندارد.^(۴)

در مقابل نظر فوق برخی دیگر معتقدند آنچه در این قانون و در حقوق انگلستان بر مبنای کامن‌لو معنای مشابهی را افاده می‌نماید شرط معافیت از مسئولیت^(۵) در قراردادها است، که مورد مخالفت عده‌ای دیگر قرار گرفته و آن دو را متفاوت می‌دانند.^(۶)

در این حقوق فورس‌ماژور علاوه بر نتیجه غیر مقدور شدن اجرای قرارداد، نتایج دیگری از قبیل جلوگیری از اجرا،^(۷) حفظ تعهدی خاص با نقض تعهدات دیگر،^(۸) یعنی قرار گرفتن متعهد در وضعی که اگر بخواهد به تعهدش عمل نماید ناچار می‌شود سایر

1- P.S. Atiyah, An Introduction to the Law of Contract, second edition, Clarendon Press, 1975, p.7.

2- Davis Contractors v. Fareham UDC [1956] AC 696

3- Atiyah, ibid, p. 251

4- Atiyah, ibid, p. 251

5- Exemption Clause

6- Fairclough, Dodd & Jones Ltd v. J.H. Vantol Ltd. [1957] 1 WLR 136, 143

7- Prevention

8- Hinderance

تعهداتش در مقابل دیگران را نقض کرده و یا به تعویق بیاورد که جملگی از موارد فورس ماژور هستند را نیز شامل می‌شود.

نکته مهم دیگر در این حقوق آن است که به نظر می‌رسد شرط غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه غیرمترقبه در این حقوق بخشی از تئوری فورس ماژور نیست و مدعی فورس ماژور فقط باید وقوع حادثه خارج از کنترل متعهد و عدم امکان جلوگیری از آن و یا عدم امکان کاهش آثار آن را اثبات نماید.^(۱) بعلاوه وظیفه متعهد در اطلاع دادن کتبی به طرف مقابل از وقوع فورس ماژور و عدم امکان اجرای قرارداد امری است توافقی و بستگی به شرط موجود در قرارداد داشته و ممکن است به صورت شرط ضروری جهت استحقاق معافیت از مسئولیت تلقی شود،^(۲) و یا اینکه فقط شرط فعلی باشد که عدم انجام آن نیز سبب محرومیت متعهد از امتیازات شرط فورس ماژور نگردد.^(۳)

با تصویب قانون شروط غیرعادلانه قراردادی،^(۴) بر اساس ماده ۳ این قانون شرط معقول بودن نیز بر سایر شرایط صحت شرط فورس ماژور اضافه گردید و پس از این باید شروط مربوط به فورس ماژور از آزمایش و ملاحظه دادگاه در زمینه معقول بودن نیز موفق بیرون آیند تا تنفیذ گردند. همچنین با تصویب مقررات مربوط به شروط غیرعادلانه در قراردادهای مصرف‌کننده^(۵) طبق ماده ۱۴ در قراردادهای مصرف‌کننده^(۶) شرط فورس ماژور باید طوری تهیه شود که سبب تبعیض به نفع فروشنده و یا ایجاد عدم تعادل به نفع وی نباشد و الا تنفیذ نخواهد شد، مانند شرطی که طی آن پس از وقوع حادثه غیرمترقبه امکان استرداد کامل پرداختهای مشتری نباشد بلکه بخشی به عنوان هزینه‌های فروشنده کسر گردد.

1- Benjamin's sole of Goods board of editors, 5th edition, sweet & Maxwell, London, 1997, - p.426

2- Tradax Export S.A. v. Andre'etcie [1976] 1 Lloyd's Rep., 416

3- Bremer Handelsgesellschaft mbtl v. Vanden Avenue - Izegem P.V.B.A. [1978] 2 Lloyd's Rep., 109

4- Unfair Contract Terms Act 1977

5- Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1994

۶. منظور قراردادهایی است که موضوع آن بیع کالایی برای مصرف باشد و نه برای تجارت و بازرگانی.

حقوق ایران

در حقوق ایران اصطلاح قوه قاهره و یا فورس ماژور به کار نرفته ولی کلمات و عبارات دیگری که همین مفهوم را برساند در برخی مواد قانون مدنی آمده است که مهمترین آنها مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م. است بر اساس ماده ۲۲۷ «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام بواسطه علت خارجی بوده که نمی‌توان مربوط به او نمود». این «علت خارجی» همان قوه قاهره یا فورس ماژور است. یعنی اگر بواسطه این قبیل عوامل اجرای تعهد ممکن نشود فرد متعهد محکوم به تأدیه خسارت نخواهد شد و در واقع بری از مسئولیت خواهد بود. اما اگر نتواند وقوع چنین عاملی را اثبات کند محکوم به تأدیه خسارت خواهد شد.

بر اساس ماده ۲۲۹ نیز اگر متعهد نتواند تعهد خویش را به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست انجام دهد محکوم به تأدیه خسارت نخواهد شد. این عبارت مشابه عبارت ماده فوق بوده و اشاره به حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار متعهد می‌باشد می‌کند. این حادثه همان فورس ماژور است که سبب رفع مسئولیت از متعهد می‌گردد.

همچنین ماده ۳۷۸ نیز که اشاره به تلف مبیع پیش از تسلیم و بدون اهمال و تقصیر بایع داشته و در چنین صورتی بایع را ضامن ندانسته و عقد را منفسخ اعلام نموده اشاره به همین قوه قاهره در معاف نمودن فروشنده دارد.^(۱)

در مورد مصادیق این قبیل حوادث و علل خارجی در دو ماده فوق ذکر شده است ولی با مراجعه به دیگر مواد قانون مدنی، از جمله ماده ۱۳۱۲ (بند ۲) و ماده ۴ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی نوع این حوادث مشخص می‌شود. در این دو ماده حوادثی طبیعی از قبیل حریق، سیل، زلزله، غرق کشتی و جنگ از مصادیق حوادث غیرمنتظره و فورس ماژور شناخته شده‌اند. بدیهی است وقایع فوق فقط جنبه تمثیلی داشته و حصری نمی‌باشند.^(۲)

نکته دیگر اینکه این قبیل حوادث نباید منتسب به متعهد باشند والا نمی‌توان از آنها

۱- دکتر کاتوزیان، ص ۲۰۳.

۲- برای مطالعه جامع مبحث فورس ماژور در حقوق ایران به کتاب دکتر کاتوزیان، صفحات ۲۲۷-۱۹۷ مراجعه شود.

بعنوان حوادث غیر مترقبه یاد کرده و وی را مسئول نتایج آن حادثه ندانست. البته مسئولیت متعهد به شرطی است که تقصیر وی منجر به وقوع حادثه شود والا اگر متعهد مرتکب تخلفی گردد که در ایجاد حادثه مانع اجرای تعهد نقشی نداشته باشد باز هم وی مسئولیتی در پرداخت خسارت نخواهد داشت.^(۱)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی